کسب و کار

توصیه‌هایی به کارجویان در دوران پساکرونا

مشاور عزیز، از پارسال تا الان دنبال کار هستم و با اینکه با چند جا مصاحبه کرده‌ام به مرحله نهایی رفته‌ام اما هنوز شغلی پیدا نکرده‌ام. کلی فرم تقاضا پر کرده‌ام، هم برای شغل‌هایی در سطح فعلی‌ام و هم کمی بالاتر، اما هنوز جواب نگرفته‌ام. شنیده‌ام که بازار کار در آمریکا داغ است اما من که یک سال آزگار به هر شرکتی در هر جایی رزومه فرستاده‌ام، حالا که آورده‌ام به نظر شما در حال حاضر چه کار کنم تا از بقیه کارجوها ممتاز شوم؟

پاسخ: دوست عزیز، کاملا می‌فهمم که چرا خسته‌ای چون پروسه کاریابی، واقعا طاقت فرساست. از جستجو گرفته تا آماده‌سازی مطالب برای هر شغل، آماده شدن برای مصاحبه و انتظار کشیدن برای تماس شرکت‌ها و گاهی جواب رد شنیدن از آن‌ها همه این‌ها انرژی را تحلیل می‌برند.

اما با این حال، کلی فرصت شغلی برایت پیدا می‌شود فقط باید دنبال کاری باشی که به دردت بخورد، نه اینکه هر شغلی پیدا شد، قبول کنی.

ابتدا باید با خودت صادق باشی و ببینی از یک شغل، چه چیزی می‌خواهی و چه چیزی برایت در اولویت است: حقوق پایه، انعطاف‌پذیری، ثبات شغلی یا امکان پیشرفت حرفه‌ای؟ همان طور که زندگی ما به مرور زمان تغییر می‌کند، در مقاطع مختلف، اشتغال، اولویت‌هایمان نیز تغییر می‌کند پس باید به این فکر کنی که الان چه می‌خواهی. پیدا کردن شغل، صرفا متقاعد کردن کارفرما به استخدامت نیست، بلکه یافتن شغلی ست که برایت بهترین باشد.

اما با این منظور باید از خودت بپرسی: «از یک شغل چه می‌خواهم؟» به این منظور باید از خودت بپرسی: «از یک شغل چه می‌خواهم؟» خیلی مهم است که استراتژی داشته باشی؛ یعنی برنامه‌ای بریزی که مشخص شود در حال حاضر، چه چیزهایی را حاضری بپذیری و چه چیزهایی را نه. گاهی کارجوها به من می‌گویند «حاضرم برای شغل به هر جایی نقل مکان کنم» یا «هر چیزی را قبول می‌کنم» و فکر می‌کنند این خوب است. البته، بله! پذیرا بودن، یعنی گزینه‌های بیشتر، اما بیشتر اوقات، وقتی یک کارجو چنین رویکردی دارد، معنایش این است که فرآیند کاریابی‌اش، جهت مشخصی ندارد و حواسش به اولویت‌هایش نیست.

مهم‌ترین چیزی که موقع کاریابی باید در نظر داشته باشی این است: «می‌خواهی زندگی‌ات چه شکلی باشد؟» مردم معمولا فرآیند کاریابی را از زندگی‌شان جدا می‌کنند که این همیشه جواب نمی‌دهد. کاریابی را از زندگی‌شان جدا می‌کنند که این همیشه جواب نمی‌دهد. با جواب به این سوال می‌توانی انتظاراتت را مشخص و مدیریت کنی. هر کاری، کلی، زحمت و فرسایش روانی دارد. معمولا آدم‌ها وقتی درخواست کار می‌دهند بلافاصله خودشان را در آن شغل تصور می‌کنند و کلی به آن فکر می‌کنند و این، انرژی می‌برد. اگر به چند شرکت، درخواست فرستاده باشی، انرژی روانی‌ات، تحلیل می‌رود و احتمال اینکه بعد ناامید شوی، بیشتر می‌شود.

پس بهتر است به این سوال فکر کنی که «می‌خواهی زندگی‌ات چه شکلی باشد؟» و جواش کمک می‌کند ببینی چه چیزهایی برایت حیاتی هستند که حاضر نیستی درباره‌شان کوتاه بیایی. این سوال را باید همواره در مسیر حرفه‌ای از خودت بپرسی. سعی کن استرس بیکاری را کنار بگذاری و همه تمرکزت را به کشف نیازها و اولویت‌هایت معطوف کنی.

این سوال، شامل چند سوال کوچک‌تر است، از جمله: کجا می‌خواهی زندگی کنی؟ اگر حاضری نقل مکان کنی، در محل جدید به چه چیزهایی نیاز داری؟ فامیل یا دوست و آشنا در آن شهر؟ یا فراولی فرصت‌های شغلی در محل جدید؟ آیا می‌خواهی کارمند تمام‌وقت باشی یا فریلنسر؟ کدام مزایا را باید به تو بدهند؟ بیمه درمانی؟ مرخصی؟ رفت و آمد تا چه حد برایت ممکن است؟ انتظارات درباره توازن میان کار و زندگی چیست؟ این چه تاثیری روی حقوقت دارد؟

پس از آنکه یک تصویر کلی از زندگی‌ات ترسیم کردی، باید درباره شغل مناسب فکر کنی از سه منظر به آن نگاه کن: چه جایگاهی می‌خواهی؟ در چه نوع سازمانی؟ و دوست داری با چه جور آدم‌هایی کار کنی؟ وقتی دقیقا بدانی که دنبال چه هستی، آشنایان و ارتباطات، بهتر می‌توانند تو را به شغل‌های مناسب، با تو وصل کنند. من همیشه از مردم می‌خواهم که به آگهی‌های استخدام اکتفا نکنند چون خیلی از شغل‌ها اصلا آگهی نمی‌شوند. به علاوه، اگر ندیده و نشناخته، و صرفا از طریق آگهی استخدام، اقدام به کاریابی کنی، هرگز نخواهی فهمید که در برابر بقیه کاندیداها، چقدر شانس داری. این روش، کارجوها را تحلیل می‌برد و دلسرد کننده است. به نظرم، این روزها بهترین راه برای یافتن کار، شبکه ارتباطی فرد با دیگران است. نام جایگاه شغلی مورد نظرت را مشخص کن و حواست باشد که بعضی اوقات، یک جایگاه در صنایع مختلف، نام‌های مختلف دارد. سپس سازمان‌های مورد نظرت را لیست کن. اگر شرکتی را خیلی دوست داری اما فکر می‌کنی برای کار در آنجا آنقدرها تجربه نداری از خودت بپرس که چه چیزی در آن شرکت، نظرت را جلب کرده. کارشان؟ فرهنگ‌شان؟ یا چیزهای دیگر؟ همین کمک می‌کند ببینی در محل کار بعدی‌ات دنبال چه چیزی هستی. سپس ببین دوست داری با چه جور آدم‌هایی، و مشخصا با چه کسانی کار کنی. مثلا مهم‌تر یا همکاران سابقت را پیدا کن و با آنها صحبت کن. منظورم این نیست که به کسانی فکر کنی که می‌توانند برایت کار پیدا کنند، بلکه نام افرادی را لیست کن که به آنها اعتماد داری و دوست داری از صبح تا شب با آنها کار کنی به عنوان یک کارجو، باید به کارفرما خودت را بشناسانی و بگویی چرا باید استخدامت کنند. مدیران استخدام معمولا به دنبال سه چیزند:

۱. بتوانی آن کار را انجام دهی.
۲. چیزی برای تیم به ارمغان بیاوری.
۳. برای شغلت هیجان داشته باشی.

اولا بدان که مدیر استخدام، نمی‌تواند ذهن تو را بخواند و بفهمد که چه تجربیاتی داری. معمولا نخستین کسی که رزومه‌ات را می‌بیند، تو نیست بلکه یکی از کارمندان منابع انسانی است. یا حتی نرم‌افزار غربالگری. پس باید به تمام کسانی که با تو مصاحبه می‌کنند نشان دهی که صلاحیت انجام آن کار را داری. نباید این پیش فرض را داشته باشی که کارفرما، همه چیز را دریافت می‌کند. یافتن شغل، یک تیم کار تو در حال حاضر است اما برای مسئولان استخدام، یکی از دهها کاری است که در طول روز انجام می‌دهند. پس ممکن است رزومه‌ات را خوب نخوانده باشند یا چیزی را دریافت از قلم انداخته باشند. پس باید کاملا واضح به آنها نشان دهی که «اگه هستی و چه تجربیاتی داری»، تا مجبور نشوند دریافت به حدس و گمان متوسل شوند.

مورد دوم: کارفرما دنبال کسی است که بتواند با تیم، همکاری خوبی داشته باشد و چیزی به تیم ارائه دهد. هیچ کس دوست ندارد با یک آدم نابخرد کار کند. پس باید رفتار خوبی با مصاحبه‌کنندگان داشته باشی. مورد بعدی اینکه، «ارائه دادن چیزی به تیم» برای کارفرماهایی که دنبال نیروی تمام‌وقت هستند، مهم است. برای فریلنسرها اما این اولویت نیست. فریلنسرها باید نشان دهند که توانایی کار به صورت مستقل را دارند و خوش قولند و به کارفرما (یا همان مشتری) اطمینان خاطر دهند که برای کسب و کارش، ریسک ایجاد نمی‌کنند. در نهایت اینکه، کارفرماها می‌خواهند ببینند آیا کارجو از همکاری با آنها هیجان دارد یا نه. دوست دارند تو کارشان را درک کنی و بخواهی جزئی از آن باشی. باید به آنها نشان دهی که چه چیزی با خودت می‌بری، چطور کمک می‌کنی ماموریت‌شان را به انجام برسانند و چه ایده‌های جدیدی به آنها ارائه می‌کنی.

نویسنده: Jennifer Mizgata
مترجم: مریم مرادخانی

محله آق‌تپه یا شهرک ولیعصر؟ مسئله این است

هزار و یک مشکل در جوارِ تپه باستانی چندهزار ساله!

نسترن کیوان‌پور- شاید اگر در یک دنیای موازی زندگی می‌کردیم که همه چیزش ایده‌آل بود، اهالی یک محله که تپه‌ای با قدمت چندین هزار ساله دارند، به دلیل ناملایمت‌هایی که محله‌شان را تهدید کرده و بی‌مهری‌های مسئولان، از انتساب نام محله به آن تپه ناراضی نبودند. اما واقعیت چیز دیگری ست.

"آق‌تپه" ای که برخی از اهالی‌اش به دلیل دید بدی که سایر شهروندان کرجی به آن دارند، از نام محله‌شان خوشش نمی‌آید و ترجیح می‌دهند آن‌ها را اهل شهرک ولیعصر بدانند. هرچند تناقض اینجاست که تعدادی دیگر به همین نام عادت کرده‌اند.

با این حال به نظر می‌رسد اگر مشکلات این محله به خوبی رفع شود و مسئولان به وعده‌های ریز و درشت خود عمل کنند و صرفا به نمایش بازدیدهای میدانی بسنده نکنند، مشکل نام محله هم حل خواهد شد.

محله گردی این دفعه مربوط به آق‌تپه یا همان شهرک ولیعصر بود. پیش از آن جلسه‌ای در دفتر خدمات توسعه و بهسازی این محله انجام شد. بسیج محله هم در این نشست حضور داشت که طی سال‌های گذشته با نهادسازی در محله اقدامات بسیار خوبی انجام داده است و حالا با نساجت با کمک دفتر تسهیلگری، رفع مشکلات اهالی را تسریع کند.

حمیدرضا ابراهیمی، کارشناس اجتماعی دفتر خدمات توسعه و بهسازی آق‌تپه با بیان اینکه این محله یکی از مملکات خاص کرج است می‌گوید: «مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشکلی که در این محله وجود دارد، عدم وجود حس تعلق اهالی است که شاید بخشی از آن به همین دید بدی مربوط باشد که نسبت به آن وجود داشته در حالی که واقعیت چنین نیست.»

مشخصات محله

محدودی مداخله‌ی دفتر تسهیلگری آق‌تپه در منطقه ۳ کرج از شمال به خیابان سوم غربی، از غرب به جاده قزلحصار، از شرق به بلوار ارم و از جنوب به خیابان بوستانی منتهی می‌شود. این محدوده دارای دو بخش منفصل نیز است. محدودی غربی عمدتا اراضی کشاورزی است و بافت مسکونی پراکنده‌ای دارد اما در محدودی بلوار ولیعصر، بافت متراکم‌تر می‌شود. البته بخشی که از قدیم به ده آق‌تپه معروف بوده، طی سال‌ها به صورت آرگلیک رشد یافته و شکل روستایی خودش را حفظ کرده است. هر چند بسیاری از بخش‌های دیگر محله کم‌وبیش شبکه‌بندی معابر دارد و متاسفانه اکثر این ابنیه مسکونی فاقد نما هستند و کوچه‌ها نیز بسیار تنگ و باریک است.

بخش منفصل غربی اما که محله‌ی سهرابیه در آن واقع شده از کمبود شدید خدمات و امکانات شهری رنج می‌برد.

ساختمان‌های قولنامه‌ای؛ بلای جان شهرک ولیعصر

اراضی شهرک ولیعصر عموما قولنامه‌ای هستند و همین موضوع سبب شده شهرداری مجوز ساخت‌وساز به اهالی ندهد و برخی افراد به سمت ساخت‌وساز غیر مجاز یک شبه روی آورند. بسیج محله این موارد را به خوبی شناسایی کرده و از ساختمانی پنج طبقه می‌گوید که اخیرا در یکی از خیابان‌های فرعی ولیعصر به صورت غیراستاندارد ساخته شده است. این موضوع مدت‌هاست اهالی را با مشکل روبه‌رو کرده است و نیاز به یک عزم جدی برای تبدیل اسناد قولنامه‌ای به اسناد رسمی است که دفتر تسهیلگری آق‌تپه در حال شناسایی و تهیه‌ی نقشه‌ای از اطلاعات مربوط به این حوزه است.

به گفته‌ی کارشناسان دفتر تسهیلگری آق‌تپه طی برداشت‌های کالبدی صورت گرفته، ۷۸.۴ درصد از کل قطعات موجود در بافت نوساز هستند، ۳۰.۵۹ درصد از کل قطعات نیز قدیمی و تخریبی و ۳۴.۰۲ متروکه هستند و این آمار، بسیار قابل تامل است!

ابراهیمی می‌گوید حس تعلق پایین به نبود حس مشارکت در اهالی منجر شده است. همین موضوع سبب شده اهالی علاقه‌ای به تبدیل اسناد قولنامه‌ای به اسناد رسمی نداشته باشند.

عدم برخورداری از حداقل امکانات شهری

اینکه هنوز خانوارهایی وجود دارند که از نعمت آب، برق و گاز محروم هستند، واقعا دردناک و ناراحت کننده است. متاسفانه مشکل ساخت‌وساز غیر مجاز در محله سبب شده بسیاری از خانه‌های خیابان‌های غربی شهرک از حداقل امکانات شهری بی‌نصیب بمانند و نهادهای خدمت‌رسان به دلیل غیر مجاز ساخته شدن ساختمان‌ها خود را معذور از اعطای خدمات شهری می‌دانند. شاید این فرض درست باشد که خدمات‌رسانی به ساخت‌وساز غیر مجاز به نوعی تایید صورت گرفته، خیلت به سایر شهروندانی باشد که مالیات خود را به موقع می‌پردازند و از مراجع قانونی مجوز ساخت‌وساز گرفته‌اند اما نمی‌شود صورت مسئله را پاک کرد. به هر حال این افراد هم حق زندگی دارند و باید راهکاری برای آنان اندیشید.

ترافیک سنگین خیابان اصلی

کافی‌ست کمی در خیابان اصلی قدم بزنید تا متوجه ترافیک عجیب و غریب آن شوید. وانت‌های میوه‌فروشی این خیابان به گفته‌ی اهالی، علت اصلی ایجاد ترافیک هستند که چندین بار این موضوع توسط اهالی ذکر شده اما پیگیری‌ها نتیجه نداده است.

مشکل فاضلاب و حیوانات موذی در جای جای محله!

وصل نبودن شبکه معابر محله به فاضلاب شهری، به ایجاد بوی نامطبوع مستمر، زیاد شدن تعداد حیوانات موذی و ظاهر نازیبای خیابان‌ها و کوچه‌ها شده است. در این محله به جای سگ و گربه، موش است که از در و دیوار محله بالا می‌روند!

متاسفانه طی پیگیری‌های دفتر تسهیلگری مشخص شده که گویا تا سال آینده آبفا هیچ برنامه‌ای برای اجرای شبکه‌ی فاضلاب محله ندارد!

دریچه‌ی تصادف‌زا!

طی بازدید یکی از کسبه‌ی عصبانی و ناراحت به دریچه‌ای در تقاطع خیابان ولیعصر و چهارم اشاره می‌کند و می‌گوید: «دریچه‌ی آن می‌زند و هر روز دقیقا هر روز باید شاهد یک تصادف باشیم!»

البته از این دریچه‌ها تا دلتان بخواهد در معابر وجود دارد! دریچه‌هایی که نیاز به جایگزینی دارد و خرج چندانی هم برای شهرداری در پی ندارد.

زباله‌های رها شده در سطح محله

متاسفانه هر گوشه را که نگاه کنی کلی زباله‌ی رها شده به چشم می‌خورد که علاوه بر ظاهر نازیبا، بوی بسیار بدی را ایجاد کرده البته بخشی از آن به کمبود سطل زباله‌ی مکانیزه یا جانمایی نامناسب بازمی‌گردد و بخشی نیز به حوزه‌ی فرهنگ‌سازی

بنابست با همکاری دفتر تسهیلگری، بسیج محله و سازمان مدیریت پسماند شهرداری کرج، موضوع فرهنگ‌سازی تفکیک زباله از مبدأ از مدارس و مساجد محله آغاز شود.

وجود معتادان و ایجاد فضای ناامن در محله

یکی از مهمترین آسیب‌های اجتماعی محله، وجود معتادان و بی‌خانمان‌هاست که بخش اعظمی از آن‌ها به دلیل وجود ضایعاتی‌های غیرمجاز، تعداد‌شان روز به روز در شهرک ولیعصر بیشتر می‌شود.

فقر سرانه‌های خدماتی در آق‌تپه

متاسفانه اکثر سرانه‌های خدماتی در محله با کمبود شدید مواجه است اما از نظر برخورداری از سرانه‌ی کاربری مذهبی محله وضعیت خوبی را تجربه می‌کند.

انتخاب امین کوچه‌ها؛ یک اقدام جالب

مسئول بسیج محله به بافت قومیتی محله اشاره می‌کند و می‌گوید: «این تنوع قومیتی یک فرصت در محله است تا از مشارکت همه‌ی افراد استفاده کنیم و در این راستا با معتمدین و بزرگان محله ارتباط گرفته‌ایم تا رتق و فتق امور محله را به خودهالی بسپاریم.»

کار خوبی که بسیج محله انجام داده انتخاب امین محله برای ۱۲ کوچه در انتهای خیابان ششم غربی است که با برگزاری جلسات مستمر مشکلات و مسائل را به صورت دقیق نیازسنجی و شناسایی کند.

بسیج محله طی گفت‌وگوهایی با اهالی مشکلات را به سه دسته اصلی کوچه‌ها، خیابان‌های فرعی و موارد اساسی طبقه‌بندی و اولویت‌بندی کرده است: کوچه‌های ششم غربی با مشکلات زیرساختی روبه‌رو هستند: فاضلاب، آسفالت و جدول‌کشی تنها بخشی از این‌هاست و نداشتن کنتور آب و برق و گاز هم مشکلات را تشدید کرده.

بسیاری از خانوارهای ساکن در ساختمان‌های واقع در خیابان ششم شرقی افرادی دارای معلولیت جسمانی دارند و وضعیت کوچه‌ها برای تردد اصلا مناسب نیست. البته متاسفانه این مسأله تقریبا در تمام بافت به چشم می‌خورد.

یک طرح خوب و کارآمد برای محور "تپه باستانی آق‌تپه"

دفتر تسهیلگری آق‌تپه هم طرح جالبی را در نظر دارد که به سازمان عمران و بازآفرینی شهری، شهردار منطقه ۳ و اعضای شورای شهر کرج نیز ارائه داده است که در صورت انجام، اهالی از آن منتفع خواهند شد.

با توجه به قدمت تپه‌ی باستانی و فرهنگ‌سازی موجود در نزدیکی آن، بنامت طی یک طرح معماری، اتصال این دو نقطه برقرار شود تا از لحاظ بصری بتوان بخشی از هویت قدیمی محله را تقویت و بازیابی کرد.

بهزاد بهروزی: مشاور میثم پورانیان؛ مدیر دفتر، حمیدرضا ابراهیمی-تسهیلگر اجتماعی و محمد کمروستا و سحر بال‌باقی؛ کارشناس شهرسازی دفتر خدمات بهسازی و توسعه محله‌ی آق‌تپه هستند. برای ارتباط با این دفتر می‌توانید به نشانی شهرک ولیعصر (آق‌تپه)، بلوار ولیعصر، مسیر جنوب به شمال نرسیده به تقاطع سوم، بن بست لاله ۲ پلاک ۲ مراجعه کنید.

Nastaran.keyvanpour@gmail.com

یادداشت

ضرورت و عدم ضرورت روز البرز

دکتر حسین عسکری

از سال ۱۳۹۶ به پیشنهاد دکتر مهراب رجبی، ۲۰ مهر، «روز ملی البرز» نامیده شده است. در زمستان ۱۳۹۶ با توصیه هوشمندانه استاد دکتر حکمت اله ملاصالحی، کاربرد واژه «ملی» از عنوان این روز حذف شد. چون این کشورها هستند که روز ملی دارند. شهرها، شهرستان‌ها و استان‌ها ملت مستقل نیستند که روز ملی داشته باشند بلکه آنان صاحب رویا هاخته فرهنگی می‌شوند.

در مهر ۱۳۹۶ «بستان بزرگان» با پیگیری وزارت فلاحت و تجارت و مدیریت فنی «هانس شریکر» (آلمانی) در قریه کرج تاسیس شد این دبستان در واقع همان «مکتب عملی فلاحتی» بود که با حضور ۳۵ شاگرد بالای ۱۵ سال، از طریق آزمون ورودی آغاز به کار کرد. این مدرسه شبانه روزی و دوره تحصیل در آن یک ساله بود.

بر اساس پروگرام دبستان بزرگوان که در سال ۱۲۹۷ چاپ شده، این درس ها تعلیم داده می شد. فارسی، شریعات، حساب، سیاق، هندسه، فیزیک، علم زراعت، حیوان داری، پرورش و تربیت درختان میوه، کفایات خود (هوشانسی کشاورزی)، شناسایی اراضی، دایر کردن اراضی، کوت و رشوه، فترداری مختصر، مساحی (اندازه گیری مساحت اراضی)، گیاه شناسی، پرورش زنبور عسل، ساختن ابنیه دهاتی، تربیت جنگل به طور عموم، ثروت روستایی، قوانین جزایه روستایی، ماشین های زراعتی به طور عموم.

از دیگر سو اقامه نمازهای واجب، ورزش، عملیات زراعتی در مزارع، در فهرست برنامه های شبانه روزی این مدرسه دیده می‌شود حتی در صفحه ۹ پروگرام دبستان بزرگوان آمده است: «در موقع نماز، اذان هم گفته می شود». همچنین در صفحه ۱۱ آن ذیل «درس شرعیات» درج شده است: «اصول دین: فروع دین (مخصوصا ذکر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر)؛ تقسیمات اولیه ارث؛ مکاسب حلال و حرام»

و اما سیر تاریخی «پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران» که «دبستان بزرگوان کرج» بخشی از آن است:

۱. تاسیس مدرسه فلاحت مظفری در سال ۱۲۷۶:
۲. انحلال مدرسه فلاحت مظفری در سال ۱۲۸۵:
۳. تاسیس دبستان بزرگوان کرج در سال ۱۲۹۶:
۴. انحلال دبستان بزرگوان در سال ۱۳۰۰:
۵. گشایش مدرسه ابتدایی و متوسطه فلاحتی در پارک امین الملک تهران در سال ۱۳۰۱:
۶. تاسیس مدرسه عالی فلاحت کرج در سال ۱۳۰۶:
۷. تاسیس بنگاه های علمی فلاحتی کرج در سال ۱۳۱۴:
۸. تغییر نام مدرسه عالی فلاحت کرج به دانشکده کشاورزی در سال ۱۳۱۶:
۹. پیوستن دانشکده کشاورزی کرج به دانشگاه تهران در سال ۱۳۲۵:
۱۰. تغییر نام دانشکده کشاورزی کرج به دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۵:
۱۱. تاسیس پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۳:
۱۲. نکوداشت یکصد و بیستمین سال تاسیس پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۶.

نمی دانم به چه دلایلی، در چند سال اخیر، «طرح پیشنهادی روز البرز» در شورای فرهنگ عمومی استان مسکوت مانده است. این در حالی است که روز فرهنگی هشتگرد (۱۷ آذر) و روز فرهنگی نظرآباد (۸ مهر) به تصویب شورای فرهنگ عمومی شهرستان‌های متبوع رسیده و روز فرهنگی کرج (۲۱ فروردین) هم در شورای اسلامی شهر کرج تصویب شده است.

با توجه به روند تصویب روزهای فرهنگی شهرستان های هفتگانه استان البرز، دیگر تصویب «روز البرز» را فری ضروری و فوری نمی‌دانم. زیرا تصویب و برگزاری این روزهای فرهنگی، می‌تواند اهداف مورد نظر طرح پیشنهادی روز البرز را تامین کند و بدیل مناسبی برای آن باشد.

در همین راستا، ضمن سپاس از اعضای محترم شورای فرهنگ عمومی استان البرز، تقاضامندیم که خود را بیش از این به مشقت نیفکنند؛ چون در یکی دو سال اخیر، «روز البرز» از دغدغه‌های اولیه و اصلی برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی استان به ویژه «البرز پژوهان خارج شده است. در گفت و گوی زنده اینستاگرامی ساعت ۲۱ روز دوشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۰ با آقایان دکتر مهراب رجبی و دکتر حمید حشمدار، در این باره بیشتر سخن خواهیم گفت.

منابع: تقی بهرامی، تاریخ کشاورزی ایران (تهران: انتشارات دانشگاه تهران- ۱۳۳۰)، صص ۱۵۵ - ۱۶۳؛ پروگرام دبستان بزرگوان در کرج: مکتب عملی فلاحتی (تهران: شرکت مطبعه بوستور، ۱۲۹۷)، صفحات مختلف؛ پردیس کشاورزی و منابع طبیعی از آغاز تا کنون: از مدرسه فلاحت مظفری (دیروز) تا پردیس (امروز)، مهر ۱۳۹۴، صص ۲ - ۲۱.

نویسنده والبرز پژوه

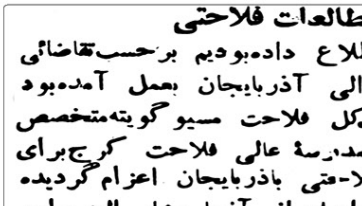

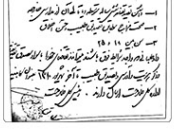

مطالعات فلاحتی

چنانچه اطلاع داده بودیم برحسب تقاضائی که از طرف والی آذربایجان بعمل آمده بود از طرف اداره کل فلاحت مسیو گویته متخصص فلاحت و معلم مدرسهٔ عالی فلاحت کرج برای مطالعات امور فلاحتی باذربایجان اعزام گردیده و مطابق خبر واصله از آنجا مشار الیه وارد و بایالت معرفی و شروع بمطالعات لازمه در اطراف تبریز نموده است که ازآنجا بسایرنقاط عزیمت نماید

دیدگاه

بناهای بلندمرتبه فضای اطرافشان را مصرف می‌کنند و آن را هدر می‌دهند

جوزف ریکورت

شهرهایی تازه وجود دارند؛ به ویژه در {کشورهای اطراف} خلیج فارس. آنها شکل تازه‌ای از سکونت شهری هستند و نویسندگان خاصی همچون جی جی بالارد یا ویلیام گیبسون را مجذوب می‌کنند.

{...} من ترجیح می‌دهم به آسمان خراش‌ها و معماران آنها فکر نکنم. ترجیح می‌دهم به معماری فکر کنم که آسمان خراش‌های افقی طراحی می‌کنند مثل استیون هال که ساختمانی بزرگ در شنژن، کلان‌شهر بیرون هنگ‌کنگ، با طولی به اندازه ارتفاع ساختمان‌ها می‌باید استیت طراحی کرده است. من «معمار ستاره‌ها» را دوست ندارم، زیرا آنها به سرشت نمایشی شخصیت‌شان متکی هستند نه به کیفیت آثارشان.

{...} مسئله‌ای که درباره بناهای بلندمرتبه وجود دارد این است که آنها فضای اطرافشان را مصرف می‌کنند و {آن را} هدر می‌دهند. بلندترین ساختمان در جهان در واقع در جنّه ساخته خواهد شد و این بنا یک کیلومتر ارتفاع دارد. اگر به چشم‌انداز اطراف آن نگاه کنید {دوبرتلدور آن}، زمین بایر است. در واقع بنایی است که نمی‌توانید با {استفاده از} پای خودتان به آن وارد شوید. شما مجبورید که با خودرو {یا آسانسور به فضاهای آن} بروید. بنایی حتی بلندتر {از برج جده} برای یا کوچک‌ریزی شده است. اینها بناهایی نیستند که هیچ گونه امتیاز معمارانه‌ای داشته‌باشند.

(در گفت‌وگو با Alain Elkann، منتشر شده در وب‌گاه مصاحبه کننده، سال ۲۰۱۶)

منبع: نسایت گفتار

یادداشت

نیاز شهری استفاده کنندگان عصای سفید

پویا پارسا

۲۳ مهر ماه مصادف با ۱۵ اکتبر، روز جهانی نابینایان نام گرفته است، در چنین روزی فرصت بسیار مناسبی است تا به خاطر آوریم شهروندان نابینا و معلول حقی برای شهر دارند و مدیران و برنامه ریزان شهری می بایست برای زندگی بهتر و انجام فعالیت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و... آنان اقدامات و تدابیری در نظر گیرند تا این قشر جامعه مانند سایر شهروندان با آرامش بیشتری در جریان حرکت اجتماع و در میان مردم حضور یابند.

یکی از حقوق شهروندی همه اقشار جامعه، بهره مندی از معابر و خیابان های استاندارد و مناسب است و از جمله تدابیری که می توان برای این قشر از شهروندان در نظر گرفت استاندارد سازی و ایمن سازی معابر و خیابان ها است. یکی از شاخصه های توسعه شهری نیز، همین مناسب سازی و ایمن سازی شهرها برای استفاده معلولین است

از وظایف مدیریت شهری در قبال این گروه خاص از جامعه اقداماتی چون همسان سازی خیابان ها، اصلاح پیاده روها از طریق ایجاد مسیر تردد ویژه نابینایان در پیاده روها، نصب سنگفرش های مختص به نابینایان، کف سازی معابر و نیز رفع موانع فیزیکی سطح شهر در جهت تردد ایمن و آسان این افراد است.

یکی دیگر از نیازهای معلولین بهره مندی از وسایل حمل و نقل عمومی می باشد به ویژه در شهرهای بزرگ که استفاده نمودن از وسایل نقلیه عمومی بیشتر رایج است و می بایست این وسایل متناسب با نیازهای خاص افراد معلول طراحی گردد و اقداماتی چون گویاسازی مسیرها و یا نصب تابلو مسیرها به خط بریل برای نابینایان، حل مشکل عبور و مرور ویلچرها، مناسب سازی فضای داخلی اتوبوس ها و نصب شیب راهه ها برای معلولین باید در دستور کار مدیران شهری قرار بگیرد.

از دیگر مسائلی که باید به آن توجه شود بهره مندی این قشر از جامعه از اماکن عمومی، ورزشی، تفریحی، فرهنگی، مراکز خرید و... است.

از این رو شهرداری ها و سیستم مدیریت شهری نقش اصلی و محوری را در اشاعه و توسعه ورزش همگانی ایفا می کنند و در این بین شهرداری ها باید نگاه ویژه ای را در ارتباط با معلولین جامعه داشته باشند. با توجه به پتانسیل شهرداری در زمینه در اختیار داشتن پارک ها، فضای سبز، اماکن فرهنگی، ورزشی و تفریحی، از طریق مناسب سازی سطوح پارک ها و تجهیزات ورزشی، استفاده رایگان از اماکن تفریحی و فرهنگی، واگذاری کارت های اعتباری و... می تواند نگاه و تمهیدات ویژه ای را نسبت به این قشر از جامعه مبذول نماید.

امید است با تغییرات به وجود آمده در مدیریت شهری کرج و با برنامه ریزی های دقیق تمامی بخش های مختلف مدیریت شهری، مسیر پیشرفت این قشر جامعه هموار گردد.